

محاسبه تضمن‌های کلامی در غزلی از حافظ با بهره‌گیری از نظریه استنباطی گرایس

مریم رشیدی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

چکیده

در گفتمان‌شناسی برای کشف و توجیه رابطه صورت و بار منظوری سخن در ارتباط کلامی و تشخیص منظور گوینده، بهره‌گیری از نظریه استنباطی گرایس به‌ویژه تضمن و تلمیح مطرح در آراء او بسیار اهمیت دارد. در تحلیل متون ادبی نیز که صحنه حضور صور خیال است و غالباً کلمات و جملات، حامل معانی ضمنی و مجازی است، تضمن‌های کلامی گرایس، قابلیت و کارایی لازم برای توجیه و تفسیر معانی ضمنی را داراست. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه استنباطی و اصول همکاری گرایس و نیز مبحث اقتضای ظاهر در معانی سنتی، چگونگی عدول از هنجارهای زبان خودکار و تبدیل آن به زبانی ادبی-عرفانی را در غزلی از حافظ بررسی و معانی تلویحی و تضمن‌های عرفانی آن را در چارچوبی روشمند، محاسبه و استنباط می‌کند. بدین منظور ابتدا نظریه گرایس تشریح و با مبحث اقتضای ظاهر تکمیل می‌شود. سپس با تکیه بر آن و با بهره‌گیری از روشی توصیفی-تحلیلی، نخستین غزل دیوان حافظ بررسی و پیام‌های افزون بر کلام او که معنای مقصود اوست استخراج می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که حافظ در این غزل با عدم رعایت اصول همکاری گرایس و عدول از هنجارهای زبان معیار، کلمات و جملات را در معانی دیگر به کار برده و با ایراد کلام برخلاف مقتضای ظاهر، زبانی عرفانی را در قالب غزلی تلفیقی پدید آورده است. تحلیل زبان عرفانی در آثار ادبی از حوزه‌های جدید ادبیات عرفانی است و دستاورد تحقیق حاضر، توجیه و تبیین علمی و روشمند زبان عرفانی حافظ در غزل مورد نظر، با استفاده از ابزارهای قابل اتکاء کاربردشناسی زبان است.

واژگان کلیدی: تضمن، حافظ، زبان عرفانی، گرایس، نظریه استنباطی.

* mrashidi7682@yahoo.com

۱. استادیار مرکز معارف اسلامی و ادبیات فارسی دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران.